

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۲۰۱۰/۲۲/۱

زور جاسوس چوپه

از طریق کتب، مجلات و مقالات آموخته ام که اکثریت سفارت خانه ها مامورین استخباراتی کشور خود را دارند تا به نفع کشور متبوعه فعالیت های جاسوسی را در یک کشور متوقف فیها به راه بیندازند. مامورین استخباراتی زیر پوشش مصونیت دیپلماتیک آزادانه عمل می نمایند که زود بدام نیفتند. نوعیت فعالیت و صلاحیت و زور جواسیس مرتبط به نوع نظام کشور مربوط میگردد. در سفارت خانه های شوروی در یور، خانه سامان و یا آشپز سفارت که ارتباطات کی جی بی داشتند گفتار و کردار سفیر و سایر اعضای سفارت را دقیقاً زیر نظارت می گرفتند. شاید چنین حالت در مورد جواسیس سی آی ای در سفارت خانه های امریکا هم صدق نماید.

در افغانستان این وضع را در سطح حکومت مرکزی و ولایات مشاهده میکنیم. بار ها شنیده ایم که عطاء والی ولایت بلخ و دوستم جنگ سالار شمال از اوامر کرزی سرباز زده و به وی می گویند که "تو صلاحیت امر و نهی و حتا برطرفی ما را نداری زیرا همان کسیکه (همان کشور) را تو را مقرر کرده، ما را هم تعیین کرده است." پس می بینیم که جاسوس های چوپه هم زور دارند و به اصطلاح سر جاسوس کلان ری نمیزند.

ری نژدن جواسیس چوپه سر جاسوس کلان در حکومت مستعمراتی کرزی هم رخنه کرده است. قصه ازین قرار است، البته قصه واقعی، حینیکه هفت جاسوس اول از شورای دست نشانده به حیث وزرای حکومت مستعمراتی کابل به اصطلاح رأی اعتماد گرفتند، به حضور جاسوس اعظم شرفیاب شدند. در جریان جلسه، یک جاسوس چوپه به نام سید مخدوم رهین با دماغ و تکبر که گویا شخص ملی و شریفی است، از جاسوس کلان به نام حامد کرزی تقاضا کرد که "امروز او را به وزارت اطلاعات و فرهنگ معرفی کند." جاسوس کلان به

جاسوس چوچه گفت که "آقای رهین شما که هنوز قسم نخورده و حلف وفاداری یاد نکرده اید، چطور میتوان شما را معرفی کرد!" جاسوس چوچه ظاهراً چیزی نگفت، اما بعد از ختم مجلس یکه راست به وزارت اطلاعات و فرهنگ رفت و چند تن از حواریون قبلی را دور خود جمع کرد و با حرکات جلف و کاکه منجانی مانند، قسمی به دیگران جلوه داد که وی بسیار زور دارد و از حمایت خاص اجنبیان برخوردار است. به جاسوس کلان "کرزی" هم فهماند که "من دیگر آن سید مخدوم سابق نیستم و سرت ری نمیزنم. تو مرا مقرر نکردی و به تو هم کار نمیکنم. دستت آزاد!" جاسوس چوچه در واقعیت زور خود را به جاسوس کلان نشان داد. شخص رهین چنان در منجلاّب امراض روانی گرفتار است که برای خود هم ارزش و عزت قایل نیست. فقط آرزو دارد که سر زبان ها بوده و مقامی داشته باشد ولو که به قیمت حیثیت و "شرافت اش" (؟) تمام شود.

این است حالت افغانستان بدبخت که حتا جواسیس کوچک پروای جواسیس بزرگ را ندارند و حرمت کلان های خود را حفظ نمی کنند.